

فصلنامه سیاست خارجی
سال سی و هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۲، صص ۲۲۲-۱۹۵



رقابت ژئوپلیتیک هند و چین در آفریقا

میثم هادی پور^۱

نوع مقاله: علمی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۳۰

^۱. دانش آموخته دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

meysamhadipoor54@yahoo.com

چکیده

کشورها جهت ژئوپلیتیک هرچه بیشتر منافع و اهداف ملی خود در مناطق مختلف جهان به رقابت می‌پردازند. در این میان ظرفیت‌های قاره آفریقا سبب رقابت قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای برای توسعه روابط با کشورهای این قاره شده است. چین و هند به‌عنوان دو قدرت نوظهور جهانی، رقابت بزرگی را در حوزه‌های متنوع جهت ژئوپلیتیک نیازهای داخلی و کسب منزلت ژئوپلیتیک آغاز نموده‌اند. این مقاله درصدد پاسخ به این سؤال است که رقابت ژئوپلیتیک میان هند و چین در منطقه آفریقا در چه حوزه‌هایی شکل گرفته است؟ به نظر می‌رسد که چین و هند رویکرد دوجانبه و منطقه‌ای مستقلی در پیش گرفته‌اند، اما وجود رقابت ژئوپلیتیک در این منطقه کاملاً مشهود است. این مقاله از نوع پژوهش‌های اکتشافی و توصیفی است. یافته‌های مقاله با استفاده از روش تحقیق کیفی نشان می‌دهد که طی سالیان گذشته، چین توانسته در حوزه اقتصادی، سرمایه‌گذاری‌های مالی در زمینه‌های زیرساختی، تولیدی و منابع طبیعی، تحرکات و تعاملات دیپلماتیک، کمک‌های نظامی و مهاجرین چینی رویکردی همه‌جانبه در مورد آفریقا اتخاذ کند؛ تا از این طریق موقعیت خود را در بلندمدت تثبیت و تقویت نماید. در مقابل، هند نیز توانسته با مشارکت در پروژه‌های زیرساختی، توسعه منابع انسانی، آموزشی و بهداشتی و مهاجرین هندی گام‌های مؤثری در توسعه روابط خود با کشورهای آفریقایی بردارد.

• واژگان کلیدی

رقابت ژئوپلیتیک، چین، هند، قاره آفریقا.

مقدمه

در دهه گذشته، چین و هند، دو اقتصاد نوظهور جهانی، به مهم‌ترین شرکای اقتصادی آفریقا تبدیل شده‌اند و تعامل فزاینده آن‌ها با این قاره، روابط بین‌المللی آفریقا را به طرز چشم‌گیری متحول کرده است. در حالی که ژئوپلیتیک منابع انرژی عاملی حیاتی در گسترش روابط چین و هند با آفریقا است، هر دو کشور همچنین در حال تقویت روابط تجاری، سرمایه‌گذاری و کمک به آفریقا از طریق مجامع مختلف دوجانبه و چندجانبه مانند: اجلاس سران آسیا - آفریقا، انجمن همکاری چین - آفریقا، تجارت چین و آفریقا، شورای چین - هند و آفریقا، مشارکت پروژه هند و آفریقا، انجمن گفت‌وگوی هند - برزیل و آفریقای جنوبی هستند. آفریقا با جمعیتی حدود یک میلیارد و سیصد میلیون نفر، بازار بالقوه بزرگی برای سرمایه‌گذاری در تبدیل و کالاهای تولیدی است. علاوه بر این، با توجه به منابع طبیعی عظیم آفریقا، از جمله نفت، این قاره گنجینه‌ای از منابع طبیعی و انرژی بین‌المللی را ارائه می‌دهد؛ مواد اولیه‌ای که تقاضای زیادی از طرف غول‌های آسیایی که به سرعت در حال صنعتی‌شدن هستند. همچنین، با توجه به موج عظیم چالش‌های اجتماعی - اقتصادی و امنیتی پیش روی آفریقا، از جمله فقر اکثریت قریب به اتفاق مردم آن، این قاره فرصت توسعه‌ای برای کمک، همکاری و عملیات‌های حمایت از صلح مبتنی بر هم‌بستگی ارائه می‌کند.

چین و هند در چارچوب فعالیت‌های جهانی مربوطه خود، به باز کردن و گسترش فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تجاری و همچنین به دنبال منافع استراتژیک، انرژی و امنیت غذایی در آفریقا ادامه می‌دهند؛ این امر به دیدگاه آفریقا به‌عنوان یک "جایزه بزرگ" کمک می‌کند، قاره‌ای که به عنوان منبع رشد جدید در دنیایی بسیار رقابتی و در عین حال وابسته به هم دیده می‌شود. این تصور، همراه با تلاش برای نفوذ در این قاره، زیربنای منافع رقابتی هر دو کشور چین و هند در آفریقا است. این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال است که رقابت ژئوپلیتیک میان هند و چین در منطقه آفریقا در چه حوزه‌هایی شکل گرفته است؟ مبتنی بر مطالعات اولیه به نظر می‌رسد که چین و هند رویکرد دوجانبه و منطقه‌ای مستقلاً در پیش گرفته‌اند، اما وجود رقابت ژئوپلیتیک در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی کاملاً مشهود است. در این راستا، این پژوهش بر اساس ماهیت و روش تحقیق، در زمره تحقیقات توصیفی - تحلیلی و با استفاده از یافته‌های کیفی انجام گرفته است. تحقیق کیفی به نحوی

محقق را در کسب اطلاعات دست اول درباره موضوع تحقیق یاری می‌دهد و بدین ترتیب از اطلاعات جمع‌آوری شده، توصیف‌های تحلیلی، ادراکی و طبقه‌بندی شده حاصل می‌شود. شایان ذکر است در انجام پژوهش، از منابعی چون کتب، مقالات، گزارش‌های پژوهشی، پایگاه‌های اینترنتی مرتبط با موضوع بهره گرفته شده است.

پیشینه تحقیق

جدول شماره ۱: پیشینه تحقیق

شماره	عنوان	نویسنده	سال نشر	توضیحات
۱	ارزیابی سیاست آفریقایی هند در دوره پس از جنگ سرد	اسماعیل شفیعی	مطالعات آفریقا/ ۱۳۸۳ شماره ۹	بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که اولاً،
۲	بررسی سیاست‌ها، راهبردها و اهداف چین در قاره آفریقا	احمد بخشی	فصلنامه ژئوپلیتیک/ ۱۳۹۳/ دوره ۱۰، شماره ۳۴	تاکنون پژوهش جامع و کاملی تحت عنوان رقابت
۳	دگرگونی سیاست خارجی هند: از جهان سوم گرایی به عملگرایی اقتصادی	سجاد بهرامی مقدم	فصلنامه مطالعات راهبردی/ ۱۳۹۳/ سال ۱۷ شماره ۱۴	ژئوپلیتیک میان هند و چین در آفریقا صورت نگرفته است. ثانیاً،
۴	مؤلفه‌های قدرت نرم چین در آفریقا	محمدجواد حسینی / اردشیر سنائی	رهیافت سیاسی و بین‌المللی/ ۱۳۹۷/ دوره ۱۰، شماره ۲	مقالاتی که به صورت جداگانه سیاست این
۵	حضور اقتصادی چین در آفریقا و زمینه‌های بروز رقابت با آمریکا	محمد جواد حسینی / اردشیر سنایی	نشریه: تحقیقات سیاسی و بین‌المللی/ ۱۳۹۸/ دوره: ۱۱ / شماره: ۳۹	دوکشور را در مورد آفریقا بررسی کرده‌اند
۶	دیپلماسی سلامت چین در آفریقا	علی باقری دولت آبادی	پژوهش نامه ایرانی سیاست بین‌الملل/ ۱۴۰۱/ دوره ۱۱، شماره ۱ - شماره پیاپی ۲۱	همه عوامل نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را به
۷	راهبرد قدرت هوشمند	بهاره سازمند/	روابط خارجی/ ۱۴۰۱/ دوره	

رقابت ژئوپلیتیک هند و چین در آفریقا	زهره درستکار	۱۴، شماره ۲ - شماره پیاپی ۵۴	صورت همزمان مورد بررسی قرار نداده‌اند.
-------------------------------------	--------------	---------------------------------	--

منبع: نویسنده

۲. مفاهیم و مبانی نظری

مفاهیم

رقابت یک مفهوم بنیادی در تمام زمینه‌های زندگی بوده و موضوعی بسیار مهم در مباحث سیاسی، اقتصادی، نظامی، امنیتی و غیره است و شاید تصور دنیایی بدون رقابت غیرممکن به نظر برسد. رقابت؛ تلاش دو یا چند گروه، ملت و کشور برای نفوذ یا سلطه در منطقه یا جهان و یا دسترسی به منابع فضایی (اعم از مادی و معنوی) است. رقابت در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک بدون مقیاس معنا ندارد و فلسفه قانون رقابت، استیلا، برتری و دستیابی به فرصت-هاست. در این بین، اقدامات عملی برای رهبری یا نفوذ در یک کشور، منطقه یا جهان شکل رقابت به خود می‌گیرد. ممکن است حوزه و منشأ رقابت، سرزمین، ملی‌گرایی، کمبود منابع، قدرت و اقتصاد باشد. از درون این رقابت‌ها، ائتلاف و رقابت‌های تسلیحاتی شکل می‌گیرد. باید توجه داشت که در رقابت، دو یا چند قدرت به‌طور هم‌زمان اقداماتی می‌کنند تا از ارزش‌های جغرافیایی (مادی و معنوی) سهم بیشتری کسب کنند (احمدی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۰۲).

رقابت اشکال مختلفی دارد:

یکی از انواع رقابت بین دو یا چند قدرت هم‌تراز نظیر قدرتهای بزرگ جهانی یا منطقه‌ای می‌باشد که طرفین ضمن رعایت اصل تعادل و توازن در مناسبات و احترام متقابل، با احتیاط با یکدیگر برخورد نموده و نسبت به اهداف هم بدگمان می‌باشند.

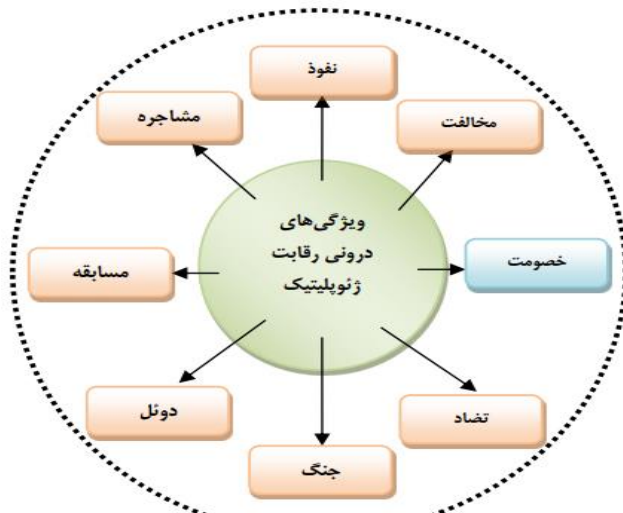
رقابت بین دو قدرت ناهم‌سطح درجه ۱ و ۲ معمولاً قدرت‌ها و بازیگران درجه ۲ سعی می‌کنند که از اراده قدرت درجه ۱ جهانی یا منطقه‌ای سرپیچی کنند از این رو الگوی رقابت بین آن‌ها توسعه می‌یابد.

رقابت مداخله‌ای: این نوع رقابت بین بازیگران در قلمرو جغرافیایی یا کشور ثالث، و براساس منافع متعارض رخ می‌دهد. زمانی که کشوری یا فضایی جغرافیایی دچار ضعف گشته و یا از

خلأ قدرت برخوردار شود، مرزهای ژئوپلیتیک قدرت‌های پیرامونی یا فرامنطقه‌ای دچار انبساط شده و به داخل کشور یا فضای جغرافیایی ضعیف کشیده می‌شوند، و آن را به عرصه رقابت تبدیل می‌کنند.

رقابت اقتصادی، این نوع رقابت در سطح دولت‌ها و کشورها براساس دسترسی به منابع و مواد اولیه و بازارهای مصرف تولیدات مربوطه و با هدف قطبی‌سازی و یکپارچگی اقتصاد جهانی انجام می‌پذیرد (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۳۷۰ - ۳۷۱).

شکل ۱: ویژگی‌های درونی رقابت ژئوپلیتیک



ویژگی‌های درونی رقابت ژئوپلیتیک

منبع: احمدی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۰۴

مبانی نظری

ژئواستراتژی، ژئواکونومیک و ژئوکالچر: از جمله مبانی نظری که در عرصه ژئوپلیتیک و بین‌الملل برای تحلیل مسائل راهبردی و رقابت قدرت‌ها از آن بهره می‌برند و چارچوب تحلیلی این پژوهش را نیز در بر می‌گیرد، مباحث نظری چون ژئواستراتژی، ژئواکونومیک و ژئوکالچر

است. آن چه مسلم می‌باشد، ترکیب مؤلفه‌های این نظریات است که می‌تواند راهنمای مناسبی جهت تحلیل رقابت‌های ژئوپلیتیک باشد. در این راستا، ژئواستراتژی از رابطه بین جغرافیا با استراتژی به‌ویژه استراتژی نظامی صحبت می‌کند و براساس این رویکرد؛ ترکیب جغرافیا، مسائل جهانی و عوامل استراتژیک، مناطق جغرافیایی ویژه‌ای را شکل می‌دهد که از آن می‌توان به منطقه ژئواستراتژیک تعبیر نمود. از منظر روابط خارجی، ژئواستراتژی عبارت است از: سیاست خارجی متخذه از سوی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مبتنی بر عامل سرزمین و توزیع جغرافیایی قدرت. در کنار مفهوم ژئواستراتژی، ادوارد لوتواک^۱ پارادایم ژئواکونومی را با مفهومی گسترده وارد ژئوپلیتیک، روابط بین‌المللی و سایر دانش‌های سیاسی مرتبط با تحلیل-های کلان بین‌المللی کرد. این متفکر خبر از فرا رسیدن نظام نوین بین‌المللی در دهه ۹۰ داد که در آن مؤلفه‌های اقتصادی جایگزین اهداف نظامی و ژئواستراتژیک می‌شوند. به عقیده وی، عامل منازعات و درگیری‌های قرن بیستم در قرن حاضر (بیست و یکم) یک عامل اقتصادی خودنمایی می‌کند (کمپ، ۱۳۷۳: ۱۰۷). لذا با توجه به اهمیت عامل اقتصاد، مفهوم ژئواکونومی برجسته شده است و به صورت‌های ذیل تعریف شده است: «ژئواکونومی اثرگذاری عوامل یا زیر-بناهای اقتصادی در محیط کشوری، منطقه‌ای و جهانی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و رقابت-های قدرتی و اثرگذاری این عوامل در ساختار شکل‌گیرنده ژئوپلیتیک منطقه‌ای یا جهانی را مطالعه می‌کند.» (مجتهدزاده، ۱۳۹۶: ۱۳۰). برخی متخصصین براین باورند در کنار عوامل اقتصادی، اهمیت دادن به عناصری چون فرهنگ، زبان، قومیت و مذهب در کنار سایر عوامل ژئوپلیتیکی لازم است. به نظر می‌رسد که ژئوپلیتیک نوین ترکیبی از مفاهیم ژئوپلیتیک کلاسیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر باشد (حافظ نیا، ۱۳۹۳: ۸۷). ژئوکالچر یا ژئوپلیتیک فرهنگی فرآیند پیچیده‌ای از تعاملات قدرت، فرهنگ و محیط جغرافیایی است که طی آن فرهنگ‌ها هم چون سایر پدیده‌های نظام اجتماعی همواره در حال شکل‌گیری، تکامل، آمیزش و جابه‌جایی در حال زمان و در بستر محیط جغرافیایی کره زمین هستند. به عبارت دیگر، ژئوکالچر ترکیبی از فرایندهای مکانی - فضایی قدرت فرهنگی میان بازیگران بی‌شماری است که در لایه‌های مختلف اجتماعی و در عرصه محیط یکپارچه کره زمین به نقش‌آفرینی پرداخته و در تعاملی دائمی با یکدیگر به سر می‌برند (حیدری، ۱۳۸۳: ۸۷).

^۱. Edward Luttwak

نظریه موازنه قوا

از نظر واقع‌گرایان، صحنه‌ی بین‌المللی، جولان‌گاه دولت‌های معارضی است که برای ژئوپلیتیک امنیّت و منافع دائماً به کسب، حفظ و افزایش اعتبار می‌پردازند و دولت‌ها به تنهایی و در غیر این صورت با ائتلاف با یکدیگر در مقابل هر دولت یا عامل دیگری که مانع رسیدن به اهداف‌شان باشد، به رقابت و خشونت متوسّل خواهند شد. پیوند بین دو عامل قدرت و ترس از مهم‌ترین موضوعاتی است که این متفکران مطرح می‌کنند و از پیوند بین این دو موضوع است که رفتار موازنه‌ساز به‌عنوان طبیعی‌ترین واکنش بازیگران در سیاست بین‌الملل، معنا و مفهوم می‌یابد (لیتل، ۱۳۸۹: ۱۴). توازن قدرت یکی از مؤلفه‌های مهم سیاست خارجی است که به یک کشور اجازه می‌دهد، ضمن دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی، خود را در برابر کشورهای رقیب حفظ کند. در واقع موازنه قدرت، مفهوم اصلی و مرکزی نظریه واقع‌گرایی است. در همین رابطه، از جمله مهم‌ترین نظریه‌های موازنه قدرت، نظریه موازنه قدرت مورگنتاست. وی موازنه قدرت را به معنای وضعیتی می‌داند که در آن قدرت به شکل کمابیش متوازن و برابر میان چندین دولت تقسیم شده است (Morgenthau, ۱۹۸۵: ۱۸۷۰). علی‌رغم تلاش‌های مورگنتا، نظریه موازنه قدرت تنها پس از بازسازی توسط کنت والتز به جایگاه نظری قابل قبولی دست یافت. از نظر والتز، سیاست بین‌الملل در نظامی عمل می‌نماید که شاخص اصلی آن آنارشی بوده، هیچ قدرت فراملی در آن وجود ندارد و قدرت هدف نهایی محسوب می‌شود. هر کشوری در وضعیت طبیعی هابزی به سر می‌برد که در جریان رقابت برای بقا، تحت فشارهای فوق‌العاده‌ای قرار دارد. این فشارها موجب شکل‌گیری انواع متفاوتی از رفتارها در میان بازیگران می‌گردد. از یک طرف، بازیگران نظام بین‌الملل را مجبور می‌سازد تا از رفتارهای موفق‌ترین بازیگران الگوبرداری نمایند که این امر منجر به ایجاد واحدهای یکسان و هم‌زیستی میان بازیگران می‌گردد و از طرف دیگر، افزایش سریع قدرت یک بازیگر باعث تحریک سایر بازیگران برای افزایش قدرت خود و در صورت عدم کفایت، موجب ایجاد اتحاد میان آن‌ها برای جلوگیری از ظهور هژمون بالقوه می‌گردد و زمانی که موازنه قدرت برقرار شد، جاه‌طلبی هژمونیک از میان می‌رود. بنابراین در وضعیت آنارشیک نظام بین‌المللی، موازنه قدرت هم‌چون دست نامرئی آدام اسمیت در بازار عمل می‌کند (سازمند، ۱۳۸۹: ۲۵۴ - ۲۵۵). از دیدگاه واقع‌گرایانه، توازن قدرت یک استراتژی اساسی برای دولت‌ها برای از بین بردن تهدیدات یک قدرت مسلط است. از آن‌جا که یک کشور هرگز

نمی‌تواند در مورد اهداف واقعی دولت دیگر در نظام جهانی آنارشیکی مطمئن باشد، معمولاً به استراتژی‌هایی متوسل می‌شوند که به آن‌ها امکان می‌دهد در مقابل تهدیدهای احتمالی از امنیت و قدرت برخوردار شوند. توازن قوا می‌تواند به دو صورت توازن نرم و توازن سخت صورت پذیرد. این دسته بندی برای توصیف اشکال غیرنظامی موازنه قوا که از زمان پایان جنگ سرد، به‌ویژه در طول جنگ ۲۰۰۳ عراق و پس از آن به کار رفته، استفاده می‌شود (ربیع، ۱۳۹۹: ۶۰).

جدول شماره ۲: گونه‌شناسی استراتژی‌های متوازن‌سازی

تعریف	نظامی	غیر نظامی
متوازن‌سازی سخت (تقویت قدرت کشور در مقابل رقبا)	متوازن‌سازی سخت نظامی متوازن‌سازی نظامی داخلی: مسابقه تسلیحاتی، تجهیز نظامی متوازن‌سازی نظامی خارجی: تشکیل ائتلاف	متوازن‌سازی سخت غیرنظامی انتقال تکنولوژی‌های استراتژیک به متحدین کمک‌های اقتصادی استراتژیک به متحدین
متوازن‌سازی نرم (تضعیف قدرت نسبی رقبا برای افزایش امنیت)	متوازن‌سازی نظامی نرم فروش تسلیحات به دشمن دشمن تلاش برای کنترل تسلیحاتی دشمن	متوازن‌سازی نرم غیرنظامی تحریم و محاصره اقتصادی عدم همکاری استراتژیک

منبع: (Kai&Feng,2008:373)

پیش‌نیازهای عمده‌ای را که برای تحقق موازنه قدرت ضروری است، شامل مواردی از قبیل بازیگران متعدد سیاسی؛ فقدان یک قدرت مرکزی و مشروع؛ توزیع نابرابر قدرت؛ رقابت مستمر اما کنترل شده مناقشات میان بازیگران سیاسی حاکم برای کسب ارزش‌ها و منابع کم‌یاب جهان و تفاهم میان رهبران قدرت‌های بزرگ درباره‌ی نفع مشترک ناشی از استمرار مکانیسم توزیع قدرت که شامل حفظ ثبات و ژئوپلیتیک امنیت و تداوم صلح، می‌باشد (قوام، ۱۳۷۰: ۶۱). در کنار پیش‌نیازها، نظریه‌پردازان این تئوری با بررسی روش‌های مورد استفاده کشورهای عضو نظام موازنه قوا طی قرن‌های هفدهم تا نوزدهم، شیوه‌های ژئوپلیتیک و حفظ موازنه قوا در قالب موارد زیر را استخراج کردند: سیاست تفرقه‌بیانداز و حکومت کن، بازگرداندن اراضی اشغال شده توسط دولت تجاوزگر، ایجاد دولت‌های حایل، تشکیل اتحادیه‌ها، ایجاد حوزه‌های نفوذ، مداخله، چانه‌زنی دیپلماتیک، رقابت یا مسابقه‌ی تسلیحاتی و جنگ به‌عنوان آخرین حربه و

راه‌حل (دوئرتی و گراف، ۱۳۷۲: ۶۸). امروزه اگرچه نظریه موازنه قوا با چالش‌ها و نقدهای مختلفی روبرو است، اما باید اذعان داشت که اکنون در قرن معاصر و در رقابت‌های چندوجهی، همین قانون را به کار گرفته و کشورهایی که از رقابت‌پذیری کمتری برخوردارند، کنار گذاشته می‌شوند در نتیجه برای بقا در نظام بین‌الملل مبارزه‌ای خستگی‌ناپذیر لازم است. اساساً «توازن» و «موازنه» اصلی انکارنشده در روابط بین‌الملل است که معطوف به جنبه‌های مختلف، متعدد و متنوع روابط خارجی و نیروهای محرکه تحولات در محیط بین‌الملل و شکل‌دهنده منفعت‌ها در آن است.

۳. یافته‌ها

قاره آفریقا با وجود ذخایر معدنی و منابع طبیعی، نیروی کار ارزان، ظرفیت‌های حمل و نقل بین‌المللی و دسترسی گسترده به آب‌های آزاد و اقیانوس‌ها دارای اهمیت استراتژیک برای رشد نفوذ و رقابت دو کشور چین و هند در این منطقه شده است. این منافع رقابتی و توسعه حضور منطقه‌ای دو قدرت جهانی در حوزه‌های نظامی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی قابل تحلیل و ارزیابی است که در زیر به هر یک از آن‌ها می‌پردازیم:

۳-۱- حوزه نظامی

در دهه گذشته آفریقا شاهد افزایش قابل توجه تعامل نظامی با چین بوده است. چین به‌طور فزاینده‌ای به دنبال حضور نظامی و امنیتی قوی‌تر در قاره آفریقا است. از شرکت در ماموریت‌های حفظ صلح تا پیوستن به تلاش‌های چندجانبه برای مقابله با دزدی دریایی در خلیج عدن تا افزایش حضور "شرکت‌های امنیتی خصوصی" چینی (که ارتباط نزدیکی با دولت دارند) (Russel, 2020: 13-30). مهم‌تر از همه، چین اولین پایگاه نظامی رسمی خارج از کشور خود را سال ۲۰۱۷ در جیبوتی ساخت که در کنار پایگاه‌های تحت کنترل ایالات متحده، فرانسه، ایتالیا و ژاپن به‌طور رسمی افتتاح شد. در سال ۲۰۱۸، چین میزبانی نشست سالانه دفاعی و امنیتی چین - آفریقا را آغاز کرد و متعهد شد به نیروهای آماده‌باش آفریقایی اتحادیه آفریقا کمک نظامی کند. همچنین چین پس از روسیه دومین صادرکننده تسلیحات به کشورهای جنوب صحرا آفریقا است (Benabdallah, 2018)؛ (Wezeman et al., 2020: 1-12). از ماه می ۲۰۲۲، دو هزار نیروی چینی به‌طور دائم در پایگاه جیبوتی مستقر هستند. پکن همچنین یک اسکله در این پایگاه ساخته است که ظرفیت نگهداری یک ناو هواپیمابر را دارد و چین را قادر

می‌سازد تا قدرت خود را فراتر از سواحل غرب اقیانوس آرام گسترش دهد. علاوه بر این، گمانه زنی‌هایی درباره احداث پایگاه نظامی دوم چین در سواحل اقیانوس اطلس وجود دارد (Nantulya, 2022). از نظر ژئواستراتژیک پایگاه جیبوتی در شلوغ‌ترین مسیرهای تجاری و خطوط کشتیرانی جهان قرار دارد که شرق آفریقا و خاورمیانه را به هم متصل می‌کند. تنگه باب المندب، یک تنگه دریایی حیاتی به‌عنوان یک ارتباط تجاری مهم بین اقیانوس هند و دریای مدیترانه از طریق دریای سرخ، کانال سوئز و خلیج عدن عمل می‌کند. از این‌رو، استقرار پایگاه دریایی در جیبوتی می‌تواند چندین مزیت استراتژیک برای چین به همراه داشته باشد که شامل مواردی از قبیل افزایش قابلیت‌های پیش‌بینی نیروهای مسلح چین در اقیانوس هند، مبارزه با دزدی دریایی، مأموریت در شاخ آفریقا، دریای سرخ و خلیج عدن، به چالش کشیدن جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیک ایالات متحده در منطقه و آفریقا، اتخاذ نقش فعال‌تر در درگیری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد (Abid&Fatima, 2023: 17-36)؛ (Hadano, 2021)؛ (Chaziza, 2021).

پایگاه نظامی تنها نشانه افزایش امنیت و تعامل نظامی چین در آفریقا نیست. برای چین، عملیات حفظ صلح سازمان ملل، در واقع به‌عنوان مهم‌ترین ابزار برای گسترش همکاری نظامی چین با کشورهای آفریقایی است. برای بیش از دو دهه، چین در مأموریت‌های چندجانبه حفظ صلح در آفریقا شرکت کرده است. مانند ۲۰۰۳ در لیبریا^۱ و جمهوری دموکراتیک کنگو^۲، ۲۰۱۲ در سودان جنوبی^۳، ۲۰۱۳ در مالی^۴ و ۲۰۲۱ در دارفور^۵. مشارکت در برنامه حفظ صلح سازمان ملل در آفریقا به چین نه تنها یک ابزار قانونی برای محافظت از سرمایه‌گذاری‌های عظیم خود در آفریقا، بلکه افزایش آن را هم ارائه می‌دهد. علاوه بر این، از آنجایی که پکن "ابتکار کمربند و جاده"^۶ خود را در آفریقا به شدت ترویج می‌کند، تعامل فعالانه چین با عملیات حفظ صلح سازمان ملل، راه‌های جدیدی را برای تسهیل همکاری امنیتی خود با کشورهای آفریقایی مراجعه‌کننده در این کشور باز می‌کند. در واقع، چین به‌دنبال افزایش همکاری نظامی خود با کشورهای آفریقایی از طریق ایجاد ارتباطات ابتکار کمربند و جاده با سازمان ملل و سازمان‌های منطقه‌ای است (Gu, 2022: 23-25).

1. UNMIL

2. MONUC

3. UNMISS

4. MINUSMA

5. UNAMID

6. Belt and Road Initiative

در آن سوی معادله، هند و آفریقا هم تاریخ طولانی و غنی دارند. دو اصل راهنما که زیربنای روابط دفاعی هند و آفریقا هستند، عبارتند از: "امنیت و رشد برای همه در منطقه"^۱ و "جهان یک خانواده است"^۲. هند به دلیل افزایش حضور نیروی دریایی چین در منطقه، با استقرار مکرر نیروی دریایی در غرب اقیانوس هند، حضور خود را برای مقابله با حضور نظامی رو به رشد چین در منطقه اقیانوس هند آغاز کرده است. این کشور شبکه‌ای از تأسیسات نظامی را در سراسر اقیانوس هند راه‌اندازی کرده و می‌خواهد دزدی دریایی را از مسیرهای تجاری دریایی خود دور نگه دارد. هند همچنین موقعیت‌های مستمری در ماداگاسکار و شاخ آفریقا برای نظارت بر تحولات دارد. علاوه بر این، هند موافقت کرده است که ۳۲ ایستگاه مراقبت راداری ساحلی در سیشل و موریس و چند مکان دیگر خارج از آفریقا راه‌اندازی کند. گشت‌زنی‌های ضد دزدی دریایی در خلیج عدن، شمال اقیانوس هند و تنگه هرمز، مأموریت‌های اختصاصی در موریس، ماداگاسکار و سیشل و جنوب اقیانوس هند وظایف اصلی این کشور است. هند در آغاز سال ۲۰۰۷ با افتتاح یک ایستگاه نظارت دریایی در شمال ماداگاسکار، برای محافظت از خطوط ارتباطی دریایی کشور در برابر دزدی دریایی و مقابله با افزایش حضور نظامی چین در منطقه، تلاش نموده تا زیرساختی از تأسیسات نظامی در سراسر اقیانوس هند ایجاد کند. در فوریه ۲۰۲۰، وزارت دفاع و امور خارجه اولین کنفرانس وزرای دفاع هند و آفریقا^۳ را همراه با نمایشگاه‌های دفاعی میزبانی کرد. این اولین مورد از یکسری رویدادهای پان آفریقا در سطح وزیران بود که منتهی به اجلاس سران انجمن هند و آفریقا شد. پس از کنفرانس وزرای دفاع هند و آفریقا 2020، یک بیانیه مشترک به‌عنوان سند نتیجه کنفرانس به تصویب رسید. هند پیشنهاد داد که گفت‌وگوی دفاعی هند آفریقا را در نمایشگاه‌های دفاعی متوالی که هر دو سال یک‌بار برگزار می‌شود، مطابق با اعلامیه و مشورت با سهام‌داران، نهادینه کند. برقراری گفت‌وگوی دفاعی هند و آفریقا به تقویت مشارکت‌های موجود آفریقایی - هندی کمک خواهد کرد و زمینه‌های جدید هم‌گرایی برای تعامل متقابل، مانند ظرفیت سازی، آموزش، امنیت سایبری، امنیت دریایی و مبارزه با تروریسم را بررسی خواهد کرد (Singh, 2022: 81-91). وزیر دفاع هند «شری راجنات سینگ» با تأکید بر این‌که هند و آفریقا روابط همکاری دفاعی و امنیتی چندوجهی دارند، بر حمایت هند از آفریقا برای مقابله با چالش‌های درگیری، تروریسم و

1. SAGAR

2. Vasudhaiva Kutumbakam

3. IADMC

افراط‌گرایی خشونت‌آمیز تأکید نمود. هند همچنان با کشورهای آفریقایی در تلاش برای صلح، امنیت، ثبات، رشد و رفاه متحد است. مشارکت هند با آفریقا بر ۱۰ اصل استوار است که توسط نخست‌وزیر نارندرا مودی در طی سخنرانی خود در پارلمان اوگاندا در سال ۲۰۱۸ بیان شد. او به وضوح اعلام کرده بود که آفریقا در رأس اولویت‌های ما خواهد بود. ما به تشدید و تعمیق تعاملات خود با آفریقا ادامه خواهیم داد. جدا از اهداف مشارکت‌های توسعه‌ای، تجاری و فن-آوری که هند می‌خواهد با کشورهای آفریقایی ایجاد کند، این بیانیه همچنین بر همکاری در تقویت توانایی‌ها در مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی، حمایت از مأموریت‌های حفظ صلح سازمان ملل و تلاش برای اقیانوس‌های باز و آزاد تأکید دارد. حدود ۵۰ کشور آفریقایی، از جمله ۲۰ وزیر دفاع، هفت رئیس سرویس^۱ و هشت دبیر دائمی در گفت‌وگو شرکت کردند که نشان دهنده اولویت بالایی است که به تعامل هند و آفریقا در دفاع و امنیت داده شده است (India-Africa Defence Dialogue on the sidelines of DefExpo, 2022). فراتر از این، در سال‌های اخیر در روابط نظامی هند و چین در ۴ حوزه آموزش پرسنل نظامی آفریقایی، امنیت دریایی، کمک‌های بشردوستانه و حفظ صلح پیشرفت‌هایی حاصل شده است. از نظر آموزش نظامی، هند با آموزش صدها افسر ارتش‌های آفریقایی و پرسنل امنیتی در موسسات هندی مانند آکادمی نظامی هند، کالج دفاع ملی، آکادمی نیروی دریایی هند و ... انتقال مهارت‌ها و دانش با شرکای آفریقایی خود را در اولویت قرار داده است. علاوه بر این، هند به ایجاد چندین آکادمی و کالج دفاعی در نیجریه، اتیوپی و تانزانیا کمک کرد. با توجه به سازگاری بین سنت‌های نظامی هند و آفریقا، دکترین‌های استراتژیک، ساختارهای فرماندهی و پروتکل‌های آموزشی، همکاری‌های دفاعی و امنیتی از اجزای ضروری همکاری میان همه شرکت‌کنندگان است. هیئت‌های آموزشی قبلاً به اوگاندا، بوتسوانا، لسوتو، زامبیا، نامیبیا، سیشل، تانزانیا و موریتانی اعزام شده بودند. هند همچنین از تأسیس یک دانشکده جنگ دفاعی و دریایی در نیجریه، تأسیسات نیروی هوایی در غنا و یک مرکز بازی‌های جنگی نظامی در اوگاندا حمایت نمود. این کشور قابلیت‌های آگاهی از حوزه دریایی را در سراسر منطقه، در هماهنگی با سواحل اقیانوس هند آفریقایی، از طریق اشتراک‌گذاری اطلاعات و نظارت، اولویت‌بندی می‌کند. این امر تا حدی به نگرانی هند در مورد نفوذ و رقابت فزاینده چین در منطقه نسبت داده می‌شود. به همین دلیل است که هند می‌خواهد کشورهای آفریقایی بیشتری را در شبکه زنجیره راداری ساحلی

^۱. CDS

خود برای نظارت بر تهدیدها در زمان واقعی در دریاهای آزاد ادغام کند. موریس، سیشل و ماداگاسکار قبلا در شبکه زنجیره‌ای رادار ساحلی هند ادغام شده‌اند. هند همچنین به‌طور فعال از کشورهای آفریقایی دعوت می‌کند تا افسران رابط خود را در مرکز اطلاعات هند که به‌طور مشترک توسط نیروی دریایی هند و گارد ساحلی آن اداره می‌شود، مستقر کنند. در این راستای همکاری بیشتر نیروی دریایی آفریقا در تمام ۴۷ دوره رزمایش مشارکت دریایی هند^۱ در اقیانوس هند غربی شرکت کرده است (Singh, 2021: 6-8)؛ (Nantulya, 2023: 9).

۲-۳- حوزه سیاسی

علاق و رفتار سیاسی چین در آفریقا اگرچه اهمیت کمتری نسبت به منافع اقتصادی دارد، اما منافع سیاسی چین در آفریقا شامل: شهرت‌سازی؛ ترویج سیاست چین واحد؛ جمع‌آوری حمایت از هنجارهای چین است (Fatima, 2023: 17-36). طی ۱۵ تا ۲۰ سال گذشته، چین یک سیاست خارجی فعالانه را در این قاره دنبال نموده است. این کشور با تغییر رویکرد گذشته از انزوگرایی و افزایش نقش عمده در امور جهانی، ضمن گسترش شبکه دیپلماتیک دوجانبه، مشارکت خود را در سازمان‌های چندجانبه افزایش داده و به سازمان‌های منطقه‌ای که با مسائل امنیتی و اقتصادی سروکار دارند، می‌پیوندد. این تعامل پیش‌گیرانه در پکن به‌عنوان نوعی «تقویت کننده قدرت» تلقی می‌شود و به چین اجازه می‌دهد گزینه‌های بیشتری برای اظهار و پیگیری منافع داخلی و بین‌المللی خود داشته باشد. کشورهای آفریقایی منبع مهمی از حمایت دیپلماتیک در سازمان‌های بین‌المللی با سیستم "یک کشور - یک رأی" هستند، مانند کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل که در آن آرای آفریقایی همیشه در جهت ممانعت از تلاش‌های متوالی غرب برای محکوم کردن چین در مورد مسائل حقوق بشر بوده است. علاوه بر این آرای آفریقایی به چین برای برنده‌شدن میزبانی رویدادهای معتبر بین‌المللی مانند بازی‌های المپیک؛ نمایشگاه‌های جهانی و در نهایت، حمایت دیپلماتیک کشورهای آفریقایی "در خدمت اصل چین واحد" کمک نموده است (Nola Nouck, 2021: 28-40). یکی از راه‌های توصیف تعامل سیاسی چین و آفریقا، بازدیدهای سطح بالا است که بخش مهمی از دیپلماسی بین‌المللی چین را تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر، اگر دیپلماسی با نمادگرایی همراه باشد، دیپلماسی آفریقایی چین، خود بیان نمادگرایی است. اکنون بیش از ۲۰ سال است که وزیر امور

^۱. MPX

خارجه چین هر سال را با سفر دیپلماتیک به آفریقا آغاز می‌کند. دیدارهای رهبران در سطح بالا، نشان دهنده ابزار اصلی دیگری است که چین به منظور ایجاد روابط شخصی رهبران و تقویت روابط دوجانبه در زمینه‌های مختلف به آن متوسل می‌شود. سفرهای سالانه منظم چهره‌های برجسته چینی به این قاره، مانند رؤسای جمهور جیانگ ز مین، هو جینتائو و شی جین پینگ و همچنین نخست وزیران ون جیابائو، لی کچیانگ و دیگر رهبران کلیدی است. همان‌طور که رئیس‌جمهور سابق آنگولا، دوس سانتوس اظهار کرد که: «او از این واقعیت که چین به آفریقا اهمیت می‌دهد، قدردانی می‌کند» (BBC, 2006). پکن در اکثر کشورهای آفریقایی دارای روابط دیپلمات و سفارت است. علاوه بر این، در اکثر قریب به اتفاق این کشورها، پکن دارای دفاتر رایزنی بازرگانی است (US Senate, 2008: 110).

از سوی دیگر، هند هم در سیاست خارجی خود دو هدف عمده را مشخص نموده است: اصلاح نهادهای حکمرانی جهانی و سپس حفظ استقلال استراتژیک. برای اولین هدف؛ هند معتقد است که نهادهایی مانند سازمان ملل یا نهادهای مالی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی توسط کشورهای توسعه یافته برای تداوم تسلط خود بر امور جهانی تأسیس شده‌اند. بنابراین، نمایندگی آن‌ها در این نهادها علیه کشورهای نیم‌کره جنوبی مغرضانه است. این کشور با توجه به جمعیت، پیشرفت اقتصادی و سرمایه سیاسی قابل توجه و همچنین وضعیت انرژی هسته‌ای خود، به شدت از اصلاح این نهادها برای به دست آوردن نمایندگی بهتر در آن‌ها حمایت می‌کند. هند در تلاش برای تحکیم وضعیت خود به عنوان اقتصاد نوظهور، به جهان نیاز دارد تا تمرکز خود را از مشکلات داخلی، فقر و نابرابری به نقش کشوری که قادر به ارائه کمک به نیازمندان جهان است، تغییر دهد. در این راستا، در سال ۲۰۰۳، وزیر دارایی وقت هند، جاسوانت سینگ، تصمیم گرفت از توسعه همکاری بین‌المللی استفاده کند که این کشور را از وضعیت دریافت کننده کمک توسعه رسمی^۱ به اهداکننده کمک توسعه رسمی تبدیل می‌کند تا از نفوذ سیاسی بین‌المللی بیشتری بهره‌مند شود (Mthembu, 2018: 33). در این روند، اگرچه کمک‌های مالی هند به کشورهای آفریقایی هنوز در مقایسه با چین کمتر است، اما طی چند سال اخیر به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است و دهلی نو انتظار دارد که کشورهای آفریقایی در زمان رأی دادن به اصلاحاتی مانند سیستم سازمان ملل متحد و اعطای کرسی در شورای امنیت سازمان ملل متحد، همه این موارد را به خاطر بسپارند. علاوه بر این، در راه اندازی ابتکار

^۱. Official development assistance

ایبسا^۱ با برزیل و آفریقای جنوبی، هند انتظار دارد به‌طور غیرمستقیم به اهداف سیاست خارجی خود با جمع کردن همه کشورهای آسیای جنوبی، آفریقا و آمریکای لاتین در تقویت دستور کار بین‌المللی دست یابد (Chakraborty et al., 2012: 1-15). در حوزه دیپلماسی، هند در ابتدا در سایه چین زندگی می‌کرد؛ زیرا فاقد نگرش سیاسی ناشی از بازدیدهای متقابل در سطوح بالا بود. در بیش از ۶۰ سال استقلال، تنها دو نخست‌وزیر از یک شریک کلیدی مانند نیجریه دیدن کرده‌اند. این واقعاً یک منبع نگرانی برای محافل تجاری هند بود؛ زیرا بدیهی است که در طول این بازدیدها موانع معاملات بزرگ اقتصادی برطرف می‌شد. مهم‌تر از آن، جایی که چین دائماً حضور خود را تأیید می‌کرد، غیبت هند در بالاترین سطح ممکن بود و این غیبت توسط شرکای آفریقایی به‌عنوان بی‌میلی دهلی نو به تعهد بلندمدت و تسکین کسانی که معتقد بودند سرمایه‌گذاری‌های هند در آفریقا صرفاً فرصت طلبانه است، تفسیر می‌شد. این موضوع به قدری جدی بود که وزیر خارجه دولت هند را وادار کرد که از خود بپرسند "اگر رهبران ما آن‌قدر مشغول هستند که نمی‌توانند با آن‌ها ملاقات کنند، چگونه رهبران آفریقایی می‌توانند ما را جدی بگیرند؟" (Mansingh, 2009: 18-23). در این راستا، هند در تلاش است تا کم‌کاری خود را جبران کند. تیرومورتی، مسئول روابط هند با آفریقا که در مؤسسه مطالعات و تحلیل‌های دفاعی در دهلی نو در چارچوب "روز آفریقا" سخنرانی می‌کرد، اعلام نمود:

«با ۲۹ سفر به کشورهای آفریقایی در سطح رئیس‌جمهور، معاون رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر، تعامل سیاسی ما با آفریقا تقویت شده است. و نزدیک به پنج سال گذشته هند میزبان بیش از ۳۵ تن از رهبران آفریقا برای رویدادهای مختلف بوده است. وی در ادامه اظهار داشت که هند و آفریقا دارای سازوکارهای دیپلماتیک جامع در هر سه سطح – قاره‌ای، منطقه‌ای و دوجانبه و از طریق مجامع چندجانبه هستند. علاوه بر اجلاس سران اول، دوم و سوم؛ ما سه جلسه با جوامع اقتصادی منطقه‌ای آفریقا داشته‌ایم» (RECs, 2019).

لذا آن‌چه مسلم است، دهلی نو تصمیم گرفته تا ردپای حضور هند در خارج از کشور را افزایش دهد. در این رابطه وزیر دارایی هند، نیرمالا سیتارامان در ۵ ژوئیه ۲۰۱۹، افتتاح ۱۸ سفارت جدید در آفریقا را اعلام کرد تا مجموع سفارت‌خانه‌ها را به ۴۷ برساند (Nola, 2021: 36).

^۱. IBSA (India, Brazil, and South Africa)

۳-۳- حوزه فرهنگی

در خصوص روابط فرهنگی با آفریقا، چین خود را در حوزه‌های پزشکی و آموزشی مطرح نموده است. ماموریت‌های پزشکی در آفریقا بهترین سفیران چین برای به دست آوردن قلب مردم عادی آفریقا هستند. آن‌ها مدت زمان زیادی است که به آفریقا می‌روند و واقعاً توسط مردم قدردانی می‌شوند. مردم به دلیل سادگی و آمادگی برای کار در شرایط بسیار سخت و همچنین نزدیک بودن به بیماران خود، احترام بالاتری را در قاره آفریقا برای آن‌ها قائل هستند. از سوی دیگر، این کشور در حالی که ریسک‌های سرمایه‌گذاری ۲۰ ساله را انجام می‌دهد، توانسته اطمینان حاصل کند که بخشی از نسل بعدی نخبگان آفریقایی و رهبران آن‌ها دوست-دار چین خواهند بود. ارتش‌های متشکل از ۳۰ هزار آفریقایی که قبلاً در چین آموزش دیده‌اند، به درستی به این هدف عمل می‌کند. محاسبه تأثیر این آموزش آکادمیک بر نسل‌های آینده دشوار خواهد بود، اما تجربیات‌شان در چین مطمئناً آن‌ها را نسبت به دیدگاه‌ها و علایق چینی حساس می‌کند. علاوه بر این، آن‌ها دانش زبان، همچنین جامعه، فرهنگ، تاریخ و سیاست چین را به یاد خواهند داشت. کسانی که وارد مقام رسمی می‌شوند، ممکن است بیشتر از منافع و خواسته‌های چین استقبال کنند (Nouck, 2021: 28-40). از نظر کیفی نیز، چین تلاش‌های خود را برای درک بهتر واقعیت‌های آفریقا افزایش می‌دهد. مقامات این کشور برخی از مؤسسات دانشگاهی و اندیشکده‌ها را به صورت ویژه موظف نموده‌اند تا ظرفیت تحقیقاتی در مورد مسائل آفریقا را افزایش دهند. در این رابطه می‌توان به دانشگاه نانجینگ، دانشگاه عادی ژجیانگ (جین هوآ) و دانشگاه عادی چین شرقی (شانگهای) اشاره کرد. وب‌سایت مؤسسه کنفوسیوس نشان می‌دهد که ۵۴ مؤسسه کنفوسیوس قبلاً در آفریقا راه‌اندازی شده‌اند که ۲۷ مورد از آن‌ها به‌عنوان «کلاس‌های درس» در دانشگاه‌های موجود آفریقا طبقه‌بندی شده‌اند. در حوزه نمادین، چین ۲۰۰ میلیون دلار برای ساخت مقر اتحادیه آفریقا در آدیس آبابا هزینه کرده است که در سال ۲۰۰۲ به‌طور رسمی به‌عنوان یک هدیه تحویل داده شد، اما مطمئناً برای چین بیانگر حضور رو به رشد آن در آفریقا است (Nouck, 2021: 28-40). در کنار اقدام دولت چین، مهاجران چینی که در این قاره زندگی می‌کنند، ابزاری استراتژیک برای حمایت از سرمایه‌گذاری‌های پکن در این قاره هستند. اگرچه به سختی می‌توان آمار و ارقام دقیقی مربوط به تعداد چینی‌های ساکن آفریقا را به‌دست آورد، اما تخمین زده می‌شود که حدود یک میلیون چینی در این قاره وجود دارد. به لطف پویایی اجتماعی که در جامعه چینی خارج از کشور

وجود دارد، طیف وسیعی از کارشناسان، متخصصان، دانشجویان و تجار اطلاعات مهمی را در اختیار آژانس‌های اطلاعاتی چین قرار می‌دهند که برای تقویت نفوذ این کشور در کشورهای مقصد استفاده می‌شود (Era, 2009: 28-29).

از طرف دیگر، دهلی با آگاهی از این واقعیت که فرصت‌های آموزشی ارائه شده توسط هند بسیار کم است و نمی‌تواند با چین مقایسه شود، به همان اندازه تلاش‌های خود را برای جذب جوانان آفریقایی با اختصاص بودجه بیشتر به ظرفیت‌سازی افزایش داده است. در این زمینه، هند به کشورهای آفریقایی کمک می‌کند تا با راه‌اندازی فاز دوم پروژه شبکه الکترونیکی پان آفریقا - پروژه شبکه‌های الکترونیکی^۱ شکاف موجود را پر کنند. ارائه ۵ سال آموزش رایگان از راه دور به ۴۰۰۰ دانشجو، آموزش پزشکی رایگان به ۱۰۰۰ پزشک / پرستار / پیراپزشک و مشاوره رایگان پزشکی از قبیل این موارد هستند. همچنین، طی ۴ سال گذشته، ۶ مرکز فن آوری اطلاعات در آفریقای جنوبی، مصر، مراکش، لسوتو، غنا، نامیبیا و تانزانیا تأسیس شده است. مراکزی مانند مرکز فن‌آوری^۲ در ماداگاسکار، ۷ مرکز آموزش حرفه‌ای در اتیوپی، رواندا، برونئی، بورکینافاسو، گامبیا، زیمبابوه، مصر و تأسیس یک مرکز فن‌آوری در زیمبابوه. در برخی کشورها مراکز کارآفرینی در حال راه‌اندازی است. و هزاران نفر از قاره آفریقا هر ساله به دانشگاه‌ها و کالج‌های هند می‌آیند (Nouck, 2021: 28-40). دیاسپورای بزرگ هند نشان دهنده یک کانال نفوذ مهم برای مشارکت دهلی در آفریقا است. برخی از خانواده‌های هندی مانند مادهوانی‌ها یا متاها که در شرق آفریقا بسیار فعال هستند، هندی‌ها و آفریقایی‌های هندی‌تبار به عنوان تسهیل‌کننده بی‌نظیر تجارت عمل می‌کنند و به لطف این دیاسپورای پویا، برادمن معتقد است که سرمایه‌گذاری‌های هندی «نفوذ عمیق‌تری به بافت اقتصاد کلان قاره» دارند، در حالی که چینی‌ها اساساً در مناطق محصور در قاره آفریقا فعالیت می‌نمایند، بیش از یک قرن است که در آفریقا زندگی می‌کنند (Broadman, 2007). بنابراین دیاسپورای هندی یک نقطه ورود عالی برای تجارت هند در این قاره است. ارقام وزارت امور خارجه هند نشان می‌دهد که تا دسامبر ۲۰۱۸، ۳۱ میلیون هندی در خارج از این کشور زندگی می‌کردند که حدود ۲.۸ میلیون نفر در شرق و جنوب آفریقا هستند. این افراد که اکنون نسل هاست در این قاره زندگی می‌کنند، با چشم‌انداز سیاسی محلی و واقعیت‌های اقتصادی، عوامل کلیدی برای هر

¹ e-Vidhya Bharati & e-ArogyaBharati (E-VBAB)

² CGARD

سرمایه گذاری آشنا هستند. دانش خوب آن‌ها از محیط عمومی کسب و کار، نیازهای شغلی و مهارت‌ها و همچنین قابلیت‌های تولید داخلی، آن‌ها را در انتخاب محل کسب و کار بسیار مفید می‌کند. به‌عنوان مثال، در کنیا و اوگاندا، آن‌ها در بخش‌های مالی، صنعتی و املاک و مستغلات پیش‌رو هستند، اگرچه دخالت آن‌ها در سیاست‌های محلی تقریباً وجود ندارد، آن‌ها بخشی از گروه‌های لابی قوی و قدرتمند هستند. به‌عنوان مثال خانواده گوپتا در آفریقای جنوبی وزن آن‌ها را در محافل قدرت این کشور نشان می‌دهد (Samuel&Ihssane,2019:4).

۳-۴- حوزه اقتصادی

یکی از دلایل علاقه‌مندی شدید فعلی هر دو کشور در آفریقا به جاه‌طلبی آن‌ها برای دسترسی مطمئن به مواد خام و دستیابی به امنیت ملی انرژی با توجه به حفظ سرعت توسعه اقتصادی فعلی از یک‌سو و بازکردن بازارهای جدید برای کالاهای تولیدی ارزان قیمت از سوی دیگر برمی‌گردد. هند و چین، این قاره را بازاری با ظرفیت فراوان برای کالاهای تولیدی خود می‌دانند. آفریقا در سال ۲۰۲۴ با جمعیتی در حدود ۱.۵۲۵ یک میلیارد و پانصد و بیست و پنج میلیون نفر (United Nations,2024)، بر اساس آخرین برآوردهای سازمان ملل متحد، معادل ۱۶.۷۲ درصد از کل جمعیت جهان و پر از مشتریان با نیازهای مختلف است که هر دو اقتصاد آسیایی مشتاق برآوردن آن‌ها هستند. بنابراین، چین و هند از نظر مالی شرکت‌های مربوطه خود را برای سرمایه‌گذاری و تصاحب سهم بازار در آفریقا تشویق می‌کنند.

چین سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در این قاره انجام داده است تا دامنه دسترسی به آن را گسترش دهد، بازیگران تجاری و دولتی چین، قاره آفریقا را منبعی از منابع طبیعی می‌دانند که دارای بازاری وسیع و در عین حال کم استفاده برای سرمایه‌گذاری و صادرات می‌دانند که فرصتی را برای شرکت‌های چینی فراهم می‌کند تا تجربه کسب کنند و اشتغال داخلی را افزایش دهند. سرمایه‌گذاری چین در آفریقا تحت چارچوب گسترده استراتژی تجاری پکن "جهانی شوید" انجام می‌شود که هدف آن گسترش حضور تجاری چین در سطح جهانی است (Thrall, 2015). چین سال‌هاست که زیرساخت و شریک مالی مهم و بزرگی برای بسیاری از کشورهای آفریقایی بوده است. حتی قبل از ایجاد کانال رسمی برای پیشبرد استراتژی آفریقایی خود، حزب کمونیست چین چندین دهه از روابط نزدیک با برخی احزاب سیاسی قدرتمند آفریقایی مانند اتحادیه ملی آفریقایی - جبهه میهنی حاکم زیمبابوه و چاما چا

مابیندوزی تانزانیا برخوردار بوده است. چین با اختلاف زیادی بزرگترین منبع ژئوپلیتیک مالی زیرساختی در این قاره است. پروژه‌های زیربنایی ژئوپلیتیک مالی چین در سراسر آفریقا در همه جا وجود دارد. از جاده‌ها گرفته تا راه‌آهن، بنادر و نیروگاه‌ها، چین در حال سرمایه‌گذاری پروژه‌های برجسته و اغلب امیدوارکننده‌ای است که تفاوت‌های محسوسی در فرصت‌های اقتصادی در دسترس آفریقایی‌ها ایجاد می‌کند. این کشور تقریباً ۲۰ درصد از کل بدهی آفریقا را در اختیار دارد، و در برخی کشورها مهم مانند زامبیا و جیبوتی، این رقم بیش از ۵۰ درصد است (Gavin, 2021: 7-9). یک سوم شرکت‌های چینی بر تولید، یک چهارم بر روی خدمات و حدود یک پنجم در تجارت، ساخت و ساز و املاک و مستغلات تمرکز کرده‌اند. با چنین ابتکاراتی، ردپای چین به حدود ۱۲ درصد از تولید صنعتی آفریقا / حدود ۵۰۰ میلیارد دلار در سال افزایش یافته است. در بخش زیرساخت‌ها، شرکت‌های چینی ادعا می‌کنند که نزدیک به ۵۰ درصد از بازار ساخت و ساز آفریقا را در اختیار دارند (Vinicius de Freitas, 2023: 2-7). بر اساس آخرین برآوردها، بیش از یک سوم تقاضای نفت چین از آفریقا، عمدتاً از آنگولا و نیجریه ژئوپلیتیک شده است. در بخش کشاورزی، بنین، بورکینافاسو و مالی تا ۲۰ درصد نیاز پنبه چین را ژئوپلیتیک می‌کنند. در حالی که ساحل عاج کاکائو چین را ژئوپلیتیک نموده، این کشور عمدتاً قهوه خود را از کنیا وارد می‌کند. در مقابل، واردات آفریقا از چین تحت سلطه کالاهای تولیدی و محصولات صنعتی، از جمله ماشین‌آلات و تجهیزات الکتریکی، لوازم مکانیکی، سوخت معدنی، روغن معدنی، وسایل نقلیه، قطعات و همچنین کالاهای مصرفی و پوشاک/کفش بوده است. پویایی تجارت با دیگر شرکای نوظهور در آسیا تحت روابط تجاری رو به رشد آفریقا - جنوب، از همان الگوها پیروی می‌کند که آفریقا مواد خام و کالاهای اولیه را صادر می‌کند و در ازای آن کالاهای ساخته شده و محصولات صنعتی را وارد می‌کند. چین به اولین شریک خارجی در ژئوپلیتیک مالی سرمایه‌گذاری زیرساختی در سراسر منطقه تبدیل شده است. یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری‌های انجام شده توسط چین در آفریقا، ژئوپلیتیک مالی یک نیروگاه برق آبی به ارزش ۵.۸ میلیارد دلار در مامبایلا، نیجریه است. تخصیص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین برای ژئوپلیتیک مالی زیرساخت‌ها قرار است که در سال‌های آتی ادامه یابد و رشد بیشتری نیز داشته باشد، به‌ویژه پس از تعهد مجدد توسط دولت چین ۶۰ میلیارد دلار دیگر از حمایت مالی به آفریقا را طی آخرین مجمع همکاری چین و آفریقا^۱ که در سپتامبر ۲۰۱۸ در

۱. FOCAC

پکن، چین برگزار شد، تمدید خواهد کرد (Akyeamponga,2019:253-254). در جدول زیر روند افزایش تعاملات اقتصادی چین و آفریقا نمایش داده شده است که بیانگر روند افزایشی این داد و ستد می‌باشد.

جدول شماره ۳: واردات و صادرات چین به آفریقا (هزار دلار)

سال	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۲
صادرات	۱۱۳.۹۷۷.۵۶۰	۱۴۸.۰۳۳.۶۳۶	۱۶۴.۱۸۰.۱۹۵
واردات	۷۳.۷۲۱.۶۹۹	۱۰۵.۷۶۳.۲۰۶	۱۱۷.۵۰۹.۵۷۳

منبع: <https://www.trademap.org>

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین به آفریقا از ۷۴.۸ میلیون دلار در سال ۲۰۰۳ به ۵.۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ رسید. با این حال، جریان ورودی به ۲.۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ کاهش یافت. با این حال، سطح سرمایه‌گذاری با وجود همه‌گیری کووید - ۱۹ به ۴.۲ میلیارد دلار افزایش یافت. سهام سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در آفریقا از ۴۹۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۳، در سال ۲۰۱۸ به ۴۶.۱ میلیارد دلار به اوج خود رسید و در سال ۲۰۲۰ به ۴۳.۴ میلیارد دلار کاهش یافت. در سال ۲۰۲۱، در مجمع همکاری چین و آفریقا؛ چین ۱۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی خصوصی برای سال‌های ۲۰۲۲ - ۲۰۲۵ متعهد شد (Vinicius de Freitas,2023:2-7).

هند نیز به‌عنوان دومین اقتصاد در حال رشد آسیا، در حال افزایش نقش اقتصادی خود در آفریقا است. این کشور در آفریقا به‌دنبال ایجاد یک موازنه در برابر چین است. اگرچه میزان سرمایه‌گذاری از نظر اندازه و مقیاس کوچک‌تر است، اما حضور تاریخی بسیار طولانی‌تر مهاجران هندی در آفریقا، مشارکت اقتصادی راحت‌تر و بحث برانگیزتر این کشور را در آفریقا نسبت به چین افزایش داده است (Bohale&Baregu,2013). مقامات ارشد هندی؛ آفریقا را "سرزمینی برای فرصت‌های تجاری برجسته" توصیف کرده‌اند و یکی دیگر از بازرگانان هندی خواسته است "از خطرات دوری نکنند"؛ زیرا "هرجا خطرات وجود دارد، پاداش نیز وجود دارد" (Sautman,2009:728-759). سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و همکاری اقتصادی هند و آفریقا بخش جدایی‌ناپذیر سیاست خارجی هند است. هند علاوه بر خطوط اعتباری امتیازی

برای توسعه زیرساخت‌های صنعتی و منابع انسانی، کمک‌های مالی و فنی به کشورهای آفریقایی برای اجرای پروژه‌های مختلف توسعه‌ای ارائه کرده است. این کشور همچنین در تعدادی از سرمایه‌گذاری‌های مشترک با کشورهای آفریقایی، از جمله ایجاد مناطق ویژه اقتصادی^۱ و مناطق پردازش صادرات^۲ شرکت کرده و توافق‌نامه‌هایی برای ارتقای سرمایه‌گذاری، تجارت و همکاری اقتصادی، آموزش متخصصان آفریقایی و به رسمیت شناختن متقابل صلاحیت‌های حرفه‌ای امضا کرده است. هند همچنین در نمایشگاه‌های تجاری در کشورهای آفریقایی شرکت کرده است و یکی از شرکت‌کنندگان اصلی در اجلاس انجمن هند و آفریقا است (Tot Deng, 2023: 31-41). از نظر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، در سال ۲۰۱۸، کل سرمایه‌گذاری در آفریقا به ۵۴ میلیارد دلار رسید، هند با ۱۵ میلیارد دلار در رتبه چهارم سرمایه‌گذاران بزرگ قاره قرار گرفت. سرمایه‌گذاری‌های هند که در ابتدا عمدتاً موريس را برای پیوندهای اجتماعی و فرهنگی آشکار هدف قرار می‌داد، به میزان کمتری در نیجریه، آفریقای جنوبی، آنگولا، کنیا، مصر و تانزانیا و همچنین کشورهای شمال آفریقا گسترش یافته است (Samuel & Ihssane, 2019: 40). هند کالاهای مصرفی، داروسازی، کالاهای پلاستیکی و الکترونیکی، کود معدنی را صادر می‌کند و نفت، مواد معدنی، مواد خام کشاورزی را وارد می‌کند. آفریقا به همان اندازه منبع مهمی برای ژئوپلیتیک امنیت انرژی هند است. در سال ۲۰۱۴، هند عمدتاً نفت خود را از نیجریه و آنگولا ژئوپلیتیک می‌کرد. در مورد گاز، نیجریه و گینه استوایی جزو چهار ژئوپلیتیک‌کننده برتر هند هستند. امروزه شرکت بخش دولتی هند^۳ سرمایه‌گذاری قابل توجهی در بخش نفت و گاز آفریقا، به‌ویژه در سودان، سودان جنوبی و لیبی دارد. به‌منظور تضمین دسترسی به ذخایر هیدروکربنی، دهلی به‌طور مساوی به کشورهای آفریقایی تخصص خود را در زمینه اکتشاف، پالایش، مشاوره، آموزش و توسعه زیرساخت‌های نفتی ارائه می‌دهد. با این حال، تلاش‌های دهلی هنوز به سختی با سرمایه‌گذاری‌هایی که چین در بخش نفت و گاز آفریقا انجام داده است، رقابت می‌کند (Nola Nouck, 2021: 28-40)؛ (Bohale & Baregu, 2013) در جدول زیر روند افزایش تعاملات اقتصادی هند و آفریقا نمایش داده شده است که بیانگر روند افزایشی این داد و ستد می‌باشد.

1. SEZ

2. EPZs

3. ONGC Videsh

جدول شماره ۴: واردات و صادرات هند به آفریقا (هزار دلار)

سال	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱
صادرات	۲۹.۵۹۲.۶۴۶	۲۶.۰۴۵.۲۳۳	۳۷.۸۸۲.۸۰۷
واردات	۳۸.۷۶۶.۷۵۷	۲۷.۴۸۶.۱۲۳	۴۴.۶۴۵.۰۸۴

منبع: <https://www.trademap.org>

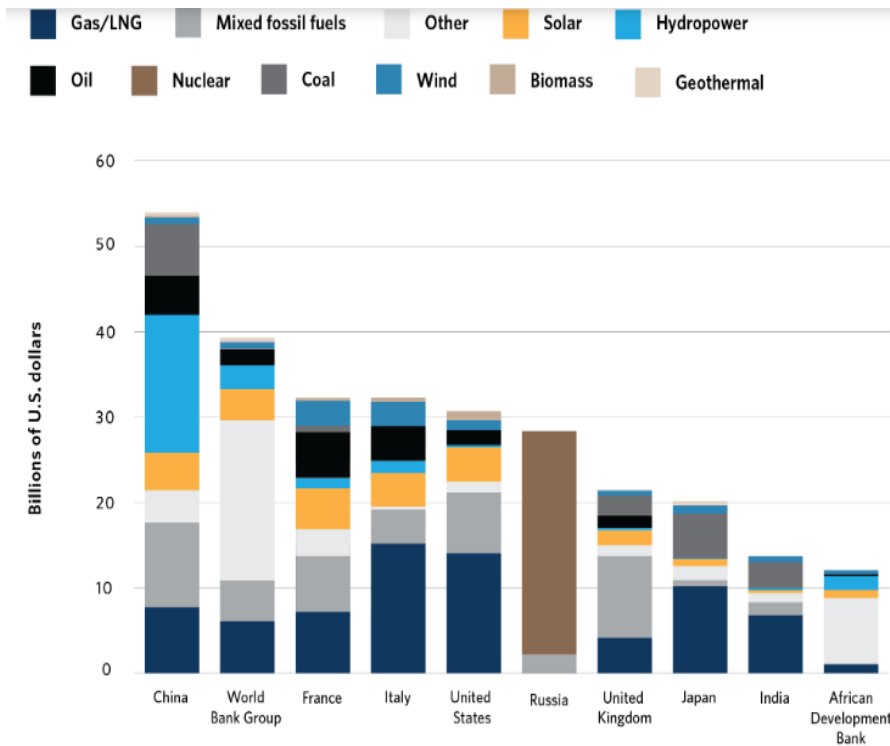
یکی از محورهای اصلی در حوزه رقابت اقتصادی بین هند و چین محور انرژی است؛ در حوزه امنیّت انرژی چین و هند از بازیگران اصلی بازار جهانی انرژی هستند. آن‌ها بیشترین سهم را در تقاضای فزاینده انرژی جهان، به‌ویژه نفت، دارند که به دلیل رشد اقتصادی آن‌ها و تعداد بسیار زیاد جمعیت دو کشور است. چنین شرایطی برای هر دوی آن‌ها چالش‌های حیاتی در حوزه انرژی ایجاد می‌کند، به همین دلیل است که آن‌ها به دنبال ژئوپلیتیک انرژی مورد نیاز خود از خارج هستند. آفریقا یکی از مهم‌ترین مقاصد در مقابل ذخایر غنی انرژی مانند نفت و گاز است. در نتیجه چین و هند تلاش می‌کنند که دسترسی به کشورهای صادرکننده انرژی آفریقا را تضمین کنند. در این راستا، دو رقیب دیپلماسی انرژی را نسبت به این قاره توسعه داده‌اند، جایی که این دو رقیب سرسخت نیاز به حضور پایدار در این قاره را دارند (Dendenne, 2021: 186-201). در دو دهه گذشته، چین به‌عنوان بازیگر اصلی در بخش انرژی آفریقا، همراه با اهداکنندگان سنتی غربی و سازمان‌های بین‌المللی ظاهر شده است. شرکت‌های ملی^۱ و دولتی^۲ نفت چین تحت عنوان استراتژی «بیرون رفتن» از اواسط دهه ۱۹۹۰ و ابتکار کمربند و جاده به‌طور فعال در زیربخش‌های مختلف انرژی درگیر هستند. این کشور در تمام بخش‌های زنجیره تولید انرژی: از استخراج و تولید انرژی گرفته تا انتقال و توزیع انرژی؛ به اشکال مختلف، از سرمایه‌گذاری، قراردادهای ساخت‌وساز، یا عرضه و انتقال فن‌آوری، فعال هست. در مقابل شرکت‌های هندی سرمایه‌گذاری قابل توجهی در کشورهای آفریقایی انجام داده‌اند و به ظرفیت‌سازی و پیشرفت‌های فن‌آوری در بخش نفت و گاز کمک کرده‌اند. کشورهای آفریقایی با ذخایر عظیم خود به عنوان گزینه‌های جذابی برای ژئوپلیتیک نیازهای انرژی هند عمل می‌کنند. وابستگی هند به کشورهای آفریقایی برای ژئوپلیتیک نیازهای انرژی داخلی خود در روند ثابت واردکننده خالص نفت و گاز مشهود است. این اتکا یک عامل محرک

1. NOCs

2. SOEs

در تجارت نفت و گاز هند و آفریقا بوده است. از سال ۲۰۰۶ - ۲۰۰۷، واردات به طور مداوم بیش از ۷۰٪ از کل تجارت را تشکیل می‌دهد. روابط تجاری بین هند و کشورهای آفریقایی همچنان قوی است و تجارت نفت و گاز همچنان نقش مهمی در ژئوپلیتیک نیازهای انرژی هند و تقویت همکاری‌های اقتصادی بین دو منطقه ایفا می‌کند. تقاضای فزاینده انرژی هند که با رشد جمعیت، شهرنشینی و صنعتی‌شدن تغذیه می‌شود، بازار قابل توجهی برای واردات نفت و گاز ایجاد می‌کند. کشورهای آفریقایی با ذخایر فراوان خود موقعیت خوبی برای پاسخ‌گویی به این تقاضای رو به رشد دارند. نزدیکی جغرافیایی آفریقا به هند امکان عرضه پایدار و قابل اعتماد را افزایش می‌دهد (Confederation of Indian Industry, 2023:29-30).

نمودار شماره ۱: ده ژئوپلیتیک کننده برتر مالی انرژی به آفریقا بر اساس منبع انرژی



منبع: (Moses, 2023:9)

نتیجه‌گیری

در دهه‌های اخیر، آسیا نقش کلیدی در تولید و تجارت، ساختار سرمایه، و بهره‌وری پیدا کرده و در سطح بین‌المللی رشد و توسعه‌ی سریعی داشته است. در این میان، دو کشور چین و هند با رشد شتابان و حجم گسترده‌ی اقتصادی به دو قدرت نوظهور جهانی تبدیل شده‌اند. اگرچه چین، به‌عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهانی، از مؤلفه‌های قدرت بیشتری نسبت به هند برخوردار است، اما هند نیز می‌کوشد تا یکی از قدرت‌های تأثیرگذار و مهم در سطح منطقه‌ای و جهانی باشد. هر دو کشور اهداف ژئواکونومیک، ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئوکالچر خود را در قاره‌ی آفریقا دنبال می‌کنند. نیاز فزاینده به منابع انرژی، دسترسی به بازارهای بزرگ مصرف و گسترش حوزه‌های نفوذ باعث شده است تا دو کشور با اتخاذ استراتژی متنوع به‌دنبال ایجاد قلمروهای ژئوپلیتیک و حوزه‌های نفوذ در آفریقا باشند. لذا تداخل قلمروهای ژئوپلیتیک و حوزه‌های نفوذ چین و هند باعث شده تا دو کشور برای حفاظت، تعقیب و ژئوپلیتیک منافع ملی با یکدیگر رقابت کنند؛ به گونه‌ای که دو قدرت بزرگ آسیایی با آرزوها و آرمان‌های بلند منطقه‌ای و جهانی، دارای منافع تقریباً متضادند. آن‌چه مسلم است، رقابت برای نفوذ در قاره آفریقا یک واقعیت ژئوپلیتیک غیرقابل انکار است. همه قدرت‌های بزرگ با واقعیت‌های مشابهی روبرو هستند؛ منابع انسانی و طبیعی آفریقا برای موازنه قوا حیاتی هست، هر بازیگری که قصد تأثیرگذاری بر امور جهانی در دهه‌های آینده را داشته باشد، نمی‌تواند در برابر آفریقا یک استراتژی منفعل را اتخاذ کند. حضور رو به رشد چین و هند در آفریقا، در حال تغییر شکل و تحول در روابط بین‌الملل این قاره است.

یافته‌های پژوهش بیان‌گر این مهم هستند که دو بازیگر فعال در قاره آفریقا از طریق سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی در درجه اول منابع مورد نیاز کشور خود را ژئوپلیتیک می‌کنند و در درجه دوم، جایگاه خود را به‌عنوان یک بازیگر جهانی تثبیت می‌کنند. در این روند، امروز چین به بزرگترین و هند یکی از شرکای بزرگ برای کمک به توسعه آفریقا تبدیل شده است. حضور آنها باید در چارچوب رقابت و همکاری در سیاست انرژی جهانی برای امنیت عرضه درک شود. با این حال، کمک‌ها و پیشنهادات آنها تمایل به تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم بر کشورهای آفریقایی دارد که احتمالاً بلوک رای آفریقا را برای حمایت از چین و هند در مجمع جهانی مانند سازمان ملل متحد در میان دیگران تقویت خواهد کرد. در کنار مؤلفه اقتصادی، در حوزه فرهنگی و سیاسی چین و هند حضور دیاسپورای خود در آفریقا را به

عنوان فرصت و تسهیل کننده‌ای مهم به رسمیت شناخته‌اند. در نتیجه، آنها کمک و سرمایه‌گذاری را به کشورهای آفریقایی با حضور چشم‌گیر دیاسپورا در اولویت قرار داده‌اند. اگرچه گفتمان رسمی این است که هند برای رقابت با کسی به ویژه چین به آفریقا نمی‌رود، اما واقعیت این است که اقدامات اقتصادی و سیاسی هند در این قاره مشروط به عامل چین است. فقط دیدن اینکه مقامات هندی هر بار چقدر با قاطعیت سعی می‌کنند سیاست آفریقایی خود را از سیاست چینی متمایز کنند، بهترین نشانه این تثبیت در مورد چین است. مضاف بر این فعالیت پررنگ نظامی چین به شکل احداث پایگاه و حضور نیروهای نظامی در قاره آفریقا از نظر ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک از یک سو مزیت‌های استراتژیک تاثیرگذاری را برای چین به همراه خواهد داشت و از سوی دیگر چالش‌های ژئوپلیتیک را برای هند که اقیانوس هند را خارج نزدیک خود تعریف کرده است ایجاد می‌کند. در مجموع تحلیل و ارزیابی مناسبات چین و هند در قاره آفریقا بیان‌گر آن است که هند اگرچه در رقابت با چین حوزه نفوذ قدرت خود را در قاره سیاه گسترش داده است و تلاش می‌کند تا در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی از چین عقب نماند و به رفع نیازهای داخلی خود بپردازد اما یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که چین در آفریقا به مراتب دست برتر را دارد.

منابع و مأخذ

- Ahmadi, Seyed Abbas & Authors (2018), Theoretical Explanation of the Foundations Forming Geopolitical Competition, Human Geography Research, Volume 50, Issue 1, Pages 199-216 (in persian).
- Broadman H (2007), Africa's silk road: China and India's new economic frontier. The World Bank, Washington DC.
- Chakraborty D, Banerjee P, Sengupta D (2012), "Developing Country Coalitions in WTO Negotiations: How cohesive would IBSAC (India, Brazil, South Africa, China) be?", Working Papers 1212, Indian Institute of Foreign Trade.
- Abdelkader dendenne (2021), "China's and India's Energy Diplomacy towards Africa: The other Face of the Two Giants' Rivalry", Algerian Journal of Human and Social Sciences, Volume: 05/ N°: 02 (Décembre 2021), pp. 186- 201.
- Daniel R. Russel and Blake H. Berger (2020) "Weaponizing the Belt and Road Initiative," Asia Society Policy Institute, September 2020, http://asiasociety.org/sites/default/files/202009/Weaponizing%20the%20Belt%20and%20Road%20Initiative_0.pdf.

- Department of Commerce, Ministry of Commerce and Industry, Government of India (2021-2022), Annual Report 2021-22, Department of Commerce, Ministry of Commerce and Industry, Government of India
- Doherty, James; and Graf, Faltz (2013), *Conflict Theory in International Relations*, translated by Alireza Tayyeb and Vahid Zaregi, Tehran, Qoms (in persian).
- Emmanuel, Akyeamponga & Hippolyte, Fofackb (2019), Special issue on 'Africa and China: Emerging patterns of engagement, Economic History of Developing Regions, Vol. 34, No. 3, 251–258
- Executive Research Associates (ERA) (2009) "China in Africa: A Strategic Overview. Reports pp. 28-29.
- Faiza Abid, Haya Fatima (2023), "China's Strategic Involvement in Africa and its Regional Implications", (1949-2022), NUST Journal of International Peace and Stability. DOI:10.37540/njips.vi.137pp17-36
- Gu, Xuewu, Clara Dinkelbach, Christiane Heidbrink, Ying Huang, Xiaojun Ke, Maximilian Mayer, Hendrik W. Ohnesorge (2022), *China's Engagement in Africa: Activities, Effects and Trends*, center for global studies
- Hadano, T. (2021). China Adds Carrier pier to Djibouti base, extending Indian Ocean reach. NIKKIE Asia
- Hafeznia, M.R (2006), *The Principles and Concepts of Geopolitics*, Pupoli publisher, Mashhad (in persian)
- Kai He & Huiyun Feng (2008), "If Not Soft Balancing, Then What? Reconsidering Soft Balancing and U.S. Policy Toward China, *Security Studies*, 17:2, pp. 363-395
- Lina Benabdallah (2018) "China-Africa Military Ties Have Deepened. Here Are 4 Things to Know." *Washington Post*, July 6, 2018, <http://washingtonpost.com/news/monkey-cage/wp/2018/07/06/china-africa-military-ties-have-deepened-here-are-4-things-to-know>.
- Little, Richard (2018), *Evolution in the Theories of the Balance of Power*, translated by Gholamali Cheginizadeh, Tehran 4, Abrar moaser (in persian).
- Lucien Nola Nouck (2021), *India and China in Africa: Rivalry or Catching up?*, African Journal of Political Science and International Relations, Vol. 15(1), pp. 28-40
- Mansingh L (2009), "Notes Towards India's New Africa Policy". *Africa Quarterly*, 48(4):18-23.
- Ministry of Defence (2022), *India-Africa Defence Dialogue on the Sidelines of DefExpo*, PIB Delhi.
- Morgenthau, Hans. J. (2004), *Politics among Nations*, Tehran 4, Study Office of the Ministry of Foreign Affairs (in persian)
- MThembu P (2018) *China and India's Development Cooperation with Africa: The Rise of South Powers*. (Palgrave Macmillan- London).
- Nantulya, P. (2022) *Considerations for a Prospective New Chinese Naval Base in Africa*. Africa Centre for Strategic Studies.
- Paul Nantulya(2023) *Africa-India Cooperation Sets Benchmark for Partnership*, Africa center for strategic studies. pp1-10
- Pieter D. Wezeman, Aude Fluerant, Alexandra Kuimova, Diego Lopes da Silva, Nan Tian, and Siemon T. Wezeman (2019) "Trends in International Arms Transfers, 2019," *Stockholm International Peace Research Institute*, March 2020, http://sipri.org/sites/default/files/2020-03/fs_2003_at_2019.pdf.

- Qavam, Abdul Ali (2010) Principles of foreign policy and international politics, Tehran, samt(in persian)
- Rabiei,Hossein(2020) Evolution of the concept of power in the 21st century and the future of the balance of power in the region of Southwest Asia, Political Organizing of Space, Volume 3 - Issue 1(in persian)
- Rambang Tot Deng(2023) India-Africa Investment, Trade and Economic Cooperation:Challenges and Perspective, Development Cooperation Review | Vol. 6, No. 1, January-March:pp31-41
- Samuel A, Ihssane G (2019) The Rationale behind India’s shift to Africa. Policy Brief, Policy Center for the New South P 4.
- Sautman B, Hairong, Y (2009) Enhancing Relations with Africa. The China Quarterly 199:728-759
- Singh, Priyal&Abhishek Mishra (2021) The untapped potential of India-Africa security cooperation, institute for security studies,pp1-16
- Singh, Swaim Prakash (2022) India-Africa Defence Cooperation: Moving Beyond Engagement, Defence and Diplomacy Journal Vol. 11 No. 2pp81-91
- US Senate (2008) China’s Foreign Policy and Soft Power in South America, Asia, And Africal available at China’s Foreign Policy and Soft Power in South America, Asia, And Africa accessed on October 10, 2020.
- Vinicius de Freitas, Marcus (2023) The Impact of Chinese Investments in Africa: Neocolonialism or Cooperation?, Policy Brief - N° 30/23 – August,pp2-7
- World Population Prospects (2022) population.un.org. United Nations Department of Economic and Social Affairs, Population Division. Retrieved 17 July 2022.
- The Confederation of Indian Industry(2023) INDIA AFRICATRADE, Confederation of Indian Industry (CII)
- Moses, Oyintarelado(2023) Who Finances Energy Projects in Africa?, Carnegie Endowment for International Peace Publications Department.